

## آیت الله میانجی

مرحوم آخوند ملاعلی، جد دوم آیت الله احمدی میانجی به شمار می‌آید. او در روستای جهندنیر، از توابع شمالی شهرستان میانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همان جا سپری کرد. سپس جهت تحصیل علوم دینی، راهی حوزه علمیه تبریز شد. با فقر و تنگدستی شدید به تحصیلات حوزوی پرداخت....



### اجداد

مرحوم آخوند ملاعلی، جد دوم آیت الله احمدی میانجی به شمار می‌آید. او در روستای جهندنیر، از توابع شمالی شهرستان میانه دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در همان جا سپری کرد. سپس جهت تحصیل علوم دینی، راهی حوزه علمیه تبریز شد. با فقر و تنگدستی شدید به تحصیلات حوزوی پرداخت. چون خط خوشی داشت، به ناچار با خطاطی و استنساخ متون درسی حوزه، بخشی از نیازهای مادی خود را تأمین می‌ساخت. وی با وجود مشکلات مادی، تا حدودی توانست به مراتب خوبی از علوم اسلامی دست یابد؛ چنان که در رشته‌هایی مانند: ادبیات عرب، معانی و بیان، فقه و اصول زحمات زیادی کشید و در بُعد اعتقادی به کتاب «عدة الداعی و نجاج الساعی» علامه حلی حاشیه زد و درباره امامت نیز جزوه‌های نوشت.

او مدتی بعد به زادگاه خود بازگشت و در منطقه گرمرود و روستاهای آن، به تبلیغ دین و خدمت به مردم پرداخت. تا این که یک سال به دلایل نامعلومی به منطقه «اوج تپه» از توابع غربی شهرستان میانه به روستای «پورسخلو» رفت. رفتار و کردار و فعالیت‌های وی، با استقبال و پسند مردم آن روستا مواجه شد و به درخواست آنان، مرحوم ملاعلی برای همیشه در آن روستا ماندگار گردید و همت خود را در جهت رسیدگی به امور مذهبی و رفع مشکلات روزمره مردم معطوف ساخت.

او در رفتار و کردار و در عبادت و بندگی سرمشق بود؛ چنان که مردم منطقه به شدت تحت تأثیر این بُعد از شخصیت وی قرار گرفتند و پس از درگذشت آن عالم ربانی، محل عبادت و سکونت او را مورد تبرک و نذر و نیاز خود قرار دادند. از وی دست نوشته‌هایی ارزشمند به صورت استنساخ از کتاب «شرح لمعه»، «شرایع الاسلام» و قسمتی از «تفسیر صافی» به جای مانده است.

مرحوم ملاعلی، دو فرزند پسر به نام‌های محمود و احمد داشت، که هر دو راه پدر را پیش گرفتند و به تحصیل علم و دانش روی آوردند و در تبلیغ دین و هدایت مردم منطقه، نقش به سزایی داشتند.

حجة الاسلام و المسلمین شیخ احمد فرزند کوچک پدر (جد اول آیت الله احمدی میانجی)، بیش از برادر بزرگش محمود به فراگیری علوم اسلامی علاقه نشان داد. لذا به آموخته‌های خود در خدمت پدر بسنده نکرد و به حوزه علمیه تبریز هجرت نمود. با تلاش پی‌گیر خود به مراتب بالایی از علوم و فضایل اخلاقی رسید؛ به طوری که پس از بازگشت به روستای خود، مردم میانه از وی خواستند که بدانجا هجرت کند؛ اما او به دلایلی منطقه و زادگاه خود را مقدم داشت و در آنجا، علاوه بر رسیدگی به امور مذهبی، سیاسی و اجتماعی مردم، به کشاورزی نیز اشتغال داشت. او پس از سال‌ها تلاش و خدمت در سال 1336 ه. ق درگذشت. (1)

### پدر و مادر

ثقة الاسلام ملاحسینعلی احمدی (فرزند حجة الاسلام شیخ احمد)، پدر آیت الله احمدی میانجی است. او در همان روستای پورسخلو به دنیا آمد. پس از دوران کودکی با تشویق و همت پدر در سال 1331 ق، رهسپار حوزه علمیه تبریز شد. حدود پنج سال در آن مرکز علمی به تحصیل پرداخت و از محضر اساتیدی مانند آیت الله آقا میرزا خلیل مجتهد تا سطح شرح لمعه فیض برد. همزمان با درگذشت پدر که مصادف با سال 1336 بود، به منطقه بازگشت و به جای پدر مسئولیت رهبری و هدایت مردم را بر دوش گرفت. چون از روحیه اجتماعی خوبی برخوردار بود، در مدت کوتاهی توانست به امور تبلیغی، فرهنگی و مذهبی توسعه و کارایی بیشتر و بهتر بدهد. قدرت و نفوذ معنوی وی در منطقه به قدری چشمگیر بود که افراد شرور و خوانین از برخوردهای صریح و ظلم ستیز او در هراس و اضطراب بودند و هرگز نمی‌توانستند پای خود را از گلیم خویش بیشتر دراز کنند؛ چنان که نقش تاریخی وی در غانله آذربایجان در سال 1325 ش، در جهت هدایت مردم و مبارزه آنان با مسلک کمونیستی بر کسی پوشیده نیست. (2)

آیت الله احمدی میانجی، در یادداشت‌های پراکنده خود ویژگی‌های اخلاقی و فعالیت‌های اجتماعی پدر را چنین بیان می‌کند: «... مادرم از فرزندان حضرت رسول (ص) و مرحوم پدرم طبق نوشته خودش، که در آخر جلد دوم «شرح لمعه» آمده، در سال 1335 ق «شرح لمعه» می‌خوانده است و در سال 1336 ق، که قطعی بزرگ اتفاق افتاد و پدرم ترک تحصیل نموده و مشغول تبلیغ و خدمت در محل شده است. پدرم خود زارع بود و کشاورزی داشت. خود در باغ‌ها در آبیاری کردن و حفر چشمه‌ها و درختکاری، و وقت خرمن کوبیدن گندم، کار می‌کرد و هر سال زکات و خمس می‌داد.

در ایام ماه رمضان و محرم منبر می‌رفت و در طول سال به کارهای شرعی مردم، تبلیغ احکام، رفع منازعات و اصلاح بین‌الناس می‌پرداخت. به

حضرت امام حسین (ع) علاقه خاصی داشت. گاهی تنها برای خودش روضه می‌خواند و گریه می‌کرد. حتی در صحرا و در باغ، هنگام کارکردن، و در مجالس مختلف که برای مردم صحبت می‌نمود، در آخر روضه می‌خواند. من در ایشان حرص بر دنیا، و حسد به هم نوع ندیدم؛ بلکه بر عکس، خدمت به هم نوع و احترام را لازم می‌دید و در رفع حوائج مردم کوشش می‌کرد...»

او در اواخر عمر، به شهر میانه رفته و در همانجا ماندگار شد. بعد از اندکی در سال 1351 ش، چشم از جهان فرو بست. پیکر این عالم پرتلاش به شهر قم انتقال داده شد و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

### تولد و تحصیل

آیت الله علی احمدی میانجی، چهارم محرم الحرام 1345 ه. ق (1306 ش) در روستای پورسخلو دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را در چنین محیط خانوادگی، که سرشار از تلاش و کوشش، صفا و صمیمیت و عبودیت و معنویت بود، سپری کرد و در دامن مادری از سلاله رسول اکرم (ص) کاملاً تربیت اسلامی یافت. وی آموزش کتاب‌های «نصاب الصبیان»، «گلستان سعدی»، «منشآت امیر نظام»، «ابواب الجنان»، «تاریخ نادر» و مقدمات عربی را نزد پدر گذرانیده و با پشتکار خود توانست حدود دویست بیت از «نصاب» را حفظ کند و تا حدودی به زبان فارسی مسلط شود.

### استاد دلسوز

سال 1358 ه. ق (بهار 1318) در سن دوازده سالگی، پدر او را به شهر میانه آورد و فرزندش را به دست عالمی فداکار و دلسوز سپرد تا به صورتی که خود مصلحت می‌داند، تعلیم و تربیت کند.

این روحانی ربّانی، مرحوم حضرت آیت الله آقا میرزا ابومحمد حجتی، یکی از دوستان صمیمی و قدیمی پدر و از شاگردان حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم به شمار می‌رفت که به تازگی از آن شهر به میانه بازگشته و به جای مرحوم پدرش آیت الله آقا میرزا محمد حجتی، رهبری مذهبی مردم میانه را بر عهده گرفته بود. (3) او با مشورت و هدایت آیت الله حائری، تصمیم داشت، حوزه علمیه میانه را که از مدت‌ها پیش به تعطیلی گراییده بود، دوباره فعال کند. لذا ورود این طلبه جوان و پرشور، به عملی کردن تصمیم وی سرعت و عینیت بیشتر بخشید و آیت الله احمدی اولین شاگرد حوزه درسی ایشان شد.

آیت الله احمدی میانجی نخست آموزش نحو را به تنهایی پیش استاد آغاز کرد. بدین جهت او روزها و گاه شب‌ها در منزل استاد به سر می‌برد. بعدها نیز چند نفر دیگر به شاگردان استاد، اضافه شدند و بدین ترتیب عملاً قسمتی از منزل آیت الله حجتی برای تعلیم و تربیت طلاب اختصاص یافت.

استاد با مشاهده تلاش و استعداد و علاقه و خلوص اولین شاگردش، حتی بیش از فرزندان خود زمینه‌های رشد و شکوفایی او را فراهم آورد. آیت الله میانجی با اشاره به همین زحمات استاد می‌نویسد:

«... انصافاً ایشان در راه تحصیل حقیر، بسیار زحمت کشیده‌اند. جزاه الله خیراً...»

بنا به نوشته آیت الله احمدی، استاد هر روز مقداری تلاوت قرآن توصیه می‌کرد. بعد چند حدیث یاد می‌داد و سپس درس روز گذشته را می‌پرسید. اگر او خوب آموخته بود، آن گاه درس جدید را شروع می‌کرد.

او علاوه بر کتب علم نحو، کتاب حاشیه در منطق، معالم در اصول، مطول در معانی و بیان و بخش‌های عمده شرح لمعه و قوانین الاصول را هم در خدمت آیت الله آقا میرزا ابومحمد حجتی فرا گرفت. سپس قسمت باقیمانده از کتاب شرح لمعه و قوانین را نیز در محضر حضرت آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی که به تازگی به میانه وارد شده بود و حجة الاسلام و المسلمین حاج میرزا مهدی جدیدی آموخت. در مجموع، تحصیلات و توقف وی در این شهرستان، حدود پنج یا شش سال طول کشید.

### دومین راهنما

آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی دومین استاد وی در میانه به شمار می‌آید. حاج شیخ لطفعلی، برادرزاده آیت الله میرزا رضی زنوزی تبریزی است. در نجف اشرف از محضر آیات عظام: نایینی، ایروانی و کاشف الغطا استفاده شایان برد و با آیات عظام: میلانی، خوبی و مرعشی نجفی نیز هم‌بحث و هم‌درس شد. وی مجتهدی مسلم و از علمای بزرگ تبریز محسوب می‌شد؛ اما به دلیل آن که در شهر میانه ساکن بود، قدر و منزلت وی در محافل علمی شناخته نشد. ضمناً ایشان در تعلیم و تربیت طلاب و اداره حوزه میانه، با مسؤولین آن همکاری می‌کرد. (4)

به هر حال ایشان نیز با مشاهده استعداد و ضمیر پاک آیت الله احمدی به گوهر وجودی او پی‌برد. لذا برای جلوگیری از ضایع شدن استعداد شاگردش، توقف بیش از پنج سال در حوزه میانه را به صلاح وی ندانست. بدین جهت به آیت الله احمدی پیشنهاد کرد که هر چه زودتر به یکی از حوزه‌های قوی و مهم هجرت کند. آیت الله احمدی، این پیشنهاد را چندان جدی نگرفت؛ ولی آیت الله زنوزی که موضوع را همچنان پی‌گیری می‌کرد، با مساعدت آیت الله حجتی، وی را به این مهم ملزم ساخت. نامه‌ای به علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان)، که در تبریز بود، نوشت و از ایشان خواست تا مقدمات تحصیلات سطوح عالی را در آن شهر برای آیت الله احمدی فراهم کند. بدین ترتیب آیت الله احمدی، در سال 1323 ه. ش بنا به اصرار آیت الله زنوزی، عازم حوزه تبریز شد و در مدرسه «حسن پاشا» ساکن گردید. ایشان خود در این باره نقل می‌کرد:

«... بعد از استقرار در مدرسه، خواستم به خدمت علامه طباطبایی برسم و نامه را تقدیم کنم. لذا از طلاب و اساتید و سایر علمای شهر، آدرس منزل ایشان را خواستم؛ اما هیچ کس ایشان را نمی‌شناختند و می‌گفتند ما تا به حال یک همچون اسمی و شخصی را نشنیده و ندیده‌ایم. به مدارس دیگر مانند طالبیه رفتم، آنها هم چنین گفتند. چند روز به همین سبب معطل شدم تا این که بالاخره پس از مدتی با مشقت بسیار آدرس منزل ایشان را به دست آوردم. فوری به خدمتشان رسیدم و نامه را تحویل دادم. ایشان مرا مورد لطف قرار داد و به آیت الله میرزا رضی زنوزی که در آن ایام از مدرسین بزرگ حوزه تبریز بود، معرفی کرد...» (5)

آیت الله احمدی، در مدت کوتاهی که در حوزه تبریز بود، از محضر اساتید بزرگ از جمله آیت الله میرزا رضی زنوزی کسب فیض نمود؛ اما بنا به

دلایلی در همان سال به میانه برگشت و از آنجا به سوی شهر مقدس قم روانه شد.

### تشریف به قم

آیت الله احمدی چون وارد شهر مقدس قم شد، نخست به زیارت کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) بار یافت. بعد در یکی از حجره‌های مدرسه دارالشفاء ساکن شد. او در این شهر، سطوح عالی را نزد مرحوم آیت الله سید حسین قاضی آموخت. (6) و بخش دیگری از آن را هم در محضر حضرت علامه طباطبایی (صاحب تفسیر المیزان) که به تازگی از تبریز به قم مشرف شده بود، فرا گرفت. آیت الله احمدی پس از اتمام سطوح عالی فقه و اصول، درس خارج اصول را در خدمت مرحوم آیت الله آقا میرزا احمد کافی الملک یاد گرفت. (7) همزمان با این درس، دروس خارج فقه را در ابواب مختلف، از محضر بزرگانی چون: بروجردی، گلپایگانی، محقق داماد (8) و علامه طباطبایی (ره) بهره می‌جست و حتی در درس خصوصی مرحوم محقق داماد و علامه طباطبایی نیز شرکت می‌کرد. البته با مرحوم علامه طباطبایی انس بیشتری داشت و به طور خصوصی در زمینه فقه، اصول و اخلاق بهره‌ها برد. آیت الله احمدی درباره آشنایی خود با علامه نقل می‌کرد:

«اوانل، با این که از طریق مرحوم آیت الله زنوزی به ایشان معرفی شده بودم، اما چندان توجهی به من نمی‌کردند تا این که بعداً مأنوس شدیم و رفت و آمدم به خدمت ایشان زیاد شد و معظم له نیز به بنده لطف داشتند. ولی همیشه در ذهنم بود که چرا آقای طباطبایی در اوایل این طور برخورد می‌کردند؟ یک روز که فرصتی پیش آمد، این سؤال را با ایشان در میان گذاشتم، فرمودند: اول تصورم این بود که می‌خواهید بی‌جهت وقت مرا بگیرید و عمر خودتان را هم ضایع کنید. این بود که نمی‌خواستم این طور بشود. اما بعد دریافتم این طور نیست. لذا نظرم عوض شد...» (9)

آیت الله احمدی، در بُعد اخلاقی به شدت تحت تأثیر شخصیت علامه طباطبایی بود و گاه از ایشان نکات اخلاقی ظریفی را نقل می‌کرد و به منانت، وقار و ادب استاد عنایت خاص داشت. نمونه‌هایی را در این رابطه بیان می‌نمود که در بخش‌های آینده به بعضی از آنها اشاره خواهد شد.

### تشکیل محفل تفسیری

او در کنار تحصیل، با همکاری و همفکری تنی چند از دوستان فاضل خود، همچون آیات: سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید مهدی روحانی و سید ابوالفضل میرمحمدی، اقدام به برگزاری بحث تفسیر هفتگی کردند و پس از ایشان نیز آیات دیگری مثل: آقا موسی زنجانی، احمد آذری قمی، احمد پایانی، موسوی زنجانی و... به جمع آنان پیوستند. این محفل علمی، به طور مرتب در هر هفته برگزار می‌شد. اعضای جلسه هر کدام به تفاسیر مختلف مراجعه می‌کردند و پیرامون آیات مباحث مفیدی را مطرح می‌نمودند که اغلب ظریف و دقیق و پربار بود. چنان که این اواخر آیت الله احمدی تأسف می‌خورد که چرا مذاکرات این جلسات از اول یادداشت و ضبط نشد و می‌فرمود:

به خصوص آقای سید مهدی روحانی، پیرامون هر آیه‌ای از قرآن، یک برداشت و حرف جدیدی داشت.

گاهی بحث و گفتگو در میان اعضا به قدری طولانی می‌شد و آقایان مبانی همدیگر را مورد مناقشه و نقض قرار می‌دادند که در نهایت جمع‌بندی بحث‌ها را مشکل می‌کرد. در این مورد آیت الله احمدی نقل می‌کرد:

«من هنگام جمع‌بندی جلسه به شوخی می‌گفتم: یک فایده جلسه تفسیر ما این است که با این اشکالات و مباحثات، آیات محکمه خداوند، متشابه می‌شود؛ چون آقایان آن قدر دقت و موشکافی می‌کردند که آن احتمال و نظری که انسان هنگام مطالعه داشت، از او گرفته می‌شد.»

اگر چه برخی اعضای این محفل قرآنی با گذشت زمان و به علت مسافرت به مناطق مختلف یا مسئولیت‌های اجرایی در تمام جلسات حضور نمی‌یافتند و شخصیت‌های دیگری می‌آمدند، با این حال اعضای اصلی و بنیانگذار آن، از جمله آیت الله احمدی، همچنان با حضور قوی و فعال خود مانع از تعطیلی آن می‌شدند. این محفل تفسیری تا همین اواخر نیز ادامه یافت و نزدیک به نیم قرن به فعالیت خود ادامه داد. از آیت الله احمدی، یادداشت‌هایی از این جلسات به جای مانده است.

### مدرس فقه و معلّم اخلاق

وی از همان دوران طلبگی ضمن تحصیل، به تدریس نیز اهتمام داشت و درس‌های پیشین را به طلاب و فضلاء پایین‌تر از خود می‌آموخت. آیت الله احمدی در حوزه علمیه قم جزو اساتید شناخته شده در سطوح عالی به شمار می‌رفت. به فقه و بخصوص به کتاب ارزشمند مکاسب شیخ انصاری، عنایت و علاقه خاصی داشت و هر سال آن را برای عده‌ای تدریس می‌نمود. او در امر آموزش طلاب، با شهید آیت الله قدوسی در مدرسه حقّانی همکاری داشت و از اساتید سرشناس این مرکز علمی و انقلابی محسوب می‌شد.

علاوه، درس اخلاق ایشان نیز در سطح حوزه علاقمندان زیادی داشت. لذا از مدارس مختلف، مانند مدرسه شهیدین، مدرسه معصومیه و مدرسه کرمانی‌ها، دعوت می‌شد و برای طلاب و فضلا در سطح‌های گوناگون درس اخلاق، که با جذابیت ویژه‌ای توأم بود، ارائه می‌داد. او که یک عمر فقه را با اخلاق به هم آمیخته بود، تبلور عینی یک «فقیه اخلاقی» بود.

در خدمت امام و انقلاب

سال 1341، که قیام مراجع معظم تقلید به رهبری حضرت امام خمینی بر ضد لایحه «انجمن‌های ایالتی ولایتی» آغاز شد، آیت الله احمدی حضور متعهدانه خود را در این نهضت بزرگ اسلامی به خوبی نشان داد. او در هر رخداد مهمی، در صورت لزوم، نخست به خدمت حاج آقا روح الله خمینی و سایر مراجع معظم می‌رسید. بعد از کسب رهنمودهای لازم عازم میانه می‌شد و پیام آنان را به روحانیت و مردم آن سامان می‌رساند و با سازماندهی روحانیت و روشننگری مردم، در جهت آرمان‌های نهضت اسلامی گام‌های مؤثر و بلندی برداشت.

آیت الله احمدی، روش خاص خود را داشت: سعی می‌کرد به دور از احساسات و افراط کاری‌ها، بیشتر با منطق و استدلال قوی، منشأ اختلاف میان روحانیت و رژیم شاه را برای مردم بازگو کند و آنها را از ماهیت ضد اسلامی رژیم آگاه سازد. به همین علت جلسات سخنرانی ایشان، در مراحل حساس و سرنوشت ساز آن دوران بسیار سودمند و پربار جلوه می‌نمود.

عید نوروز و خرداد سال 1342، که به فرمان حضرت امام خمینی، در سرتاسر کشور عزای عمومی اعلام شد و روحانیت مأموریت یافت، مردم را

در این ایام روشنگری کرده به افشای جنایات‌های رژیم بپردازد، آیت الله احمدی نیز به منظور اجرای امر مقتدای خود، وارد شهرستان میانه شد و با ایجاد همانگی بین روحانیت آنجا، در مجالس و محافل متعدد به وجه مقتضی به ایفای نقش پرداخت، چنانکه در یکی از گزارش‌های اسناد ساواک آمده است:

شهربانی کل اطلاعات

آقای میرزا علی احمدی - یکی از وعاظان مبرز و سخنور این شهرستان شمار می‌رود که به تازگی برای عزاداری از قم وارد شده بود، پیوسته اعمال و رفتار و مراوده وی زیر نظر مأمورین مربوطه قرار و در نتیجه معلوم گردید، نامبرده از طرفداران آیت الله خمینی بوده که برای انجام مأموریت وارد شده تا این که با تبانی و تشریک مساعی آقایان امام جمعه و فرماندار، اخیراً از میانه خارج، به قم یا به کرج عزیمت نموده است.

#### سروان سمیعی رئیس شهربانی میانه (10)

پس از قیام 15 خرداد 1342، که منجر به دستگیری حضرت امام خمینی شد و دولت، ایشان را به اصطلاح به اعدام محکوم کرد، مراجع بزرگ و علمای اعلام به عنوان اعتراض، از استان‌ها و شهرستان‌های مختلف کشور به سمت تهران سرازیر شدند و به تحصن نشستند. به دنبال آن، آیت الله احمدی نیز از قم به تهران آمد و به جمع علمای مهاجر و متحصن پیوست. این حرکت، در آن فضای اختناق، نسبت به شخصیت‌های درجه دو و سه، کار بسیار خطرناکی به شمار می‌رفت و شجاعت بیشتر می‌طلبید.

وقتی نهضت پرشکوه اسلامی در آبان سال 1356، با شهادت حاج آقا مصطفی خمینی به اوج خود رسیده بود، او نیز در این مقطع به صحنه آمد و به مبارزات خود عمق بیشتری بخشید. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، همواره در مراحل مختلف انقلاب اسلامی، بخصوص با صدور اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های روشنگرانه خود، در جهت بیداری افکار عمومی و پشتیبانی از نهضت الهی امام خمینی (ره) سهم به سزایی داشته است. در این میان از جمله اعلامیه تاریخی جامعه مدرسین در مورد خلع سلطنت از شاه بود که امضای این عالم مجاهد را نیز در آن مشاهده می‌کنیم. (11)

ایشان که عرصه مبارزه را بسیار فراتر از حد صدور اعلامیه‌ها می‌دید، در شهر خود، «میانه» نیز از ستیز با طاغوت غفلت نمی‌ورزید و در سنگر انجمن دین و دانش، مدرسه علمیه و مسجد آقا یارسلطان، به ایفای نقش می‌پرداخت؛ چنان که در بخشی از صورتجلسه «شورای هماهنگی تأمین شهرستان میانه» مورخه 1356 / 9 / 17 که با حضور فرماندار، رئیس شهربانی، فرماندهان پادگان و ژاندارمری، جهت زمینه سازی برای دستگیری ایشان و روحانی مبارز شهر حاج سید سجاد حججی، تشکیل شده بود، چنین آمده است:

«... 2 - آقای میرزا علی احمدی که از قم آمده و در منزل برادرش سکونت دارد که نامبرده در دین و دانش و مساجد، تبلیغات وسیعی را بر علیه رژیم و قانون اساسی و تخریب و آتش سوزی اماکن عمومی شروع و ادامه می‌دهد و همه مردم را به عناوین مختلف جمع نموده؛ مخصوصاً دانش‌آموزان و جوانان را به تظاهرات و قیام مسلحانه ترغیب و تحریک می‌نماید و توسط همین اشخاص بارها وسایل موتوری نیروهای انتظامی تخریب و مأمورین به وسیله پرتاب سنگ مجروح که نامبردگان دستگیر و توسط مأمورین اعزامی بدرقه و معرفی می‌شدند...»

در پی این نشست، بلافاصله حکم دستگیری آیت الله احمدی به جرم (به اصطلاح) اخلاق در نظم و امنیت و ایجاد اغتشاش در منطقه، صادر شد. ساعت 3 بامداد روز شنبه، هشتم محرم سال 1357 مزدوران ساواک مغولوار به منزل وی هجوم بردند، در حیاط و پنجره‌ها را شکسته و وارد اتاق خواب شدند. ایشان را با لباس خواب و با اهانت و جسارت و ضرب و شتم به وسیله قنداق تفنگ به کوچه کشاندند و در سرمای آذر 57، با خودروی ارتش او را به پاسگاه ژاندارمری انتقال دادند. با فاصله اندکی، روحانی مبارز، حاج سید سجاد حججی را نیز با همان وضع دستگیر می‌نمایند و هر دو را به صورت اهانت‌آمیزی با خودروی روباز ارتشی روانه تبریز کردند که شرح و تفصیل آن در این مختصر نمی‌گنجد. (12)

همچنان در صحنه

این عالم فداکار پس از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، با درک موقعیت حساس زمانی، تمام وقت خود را وقف انقلاب، اسلام، رهبری و مردم کرد و با حضور خستگی‌ناپذیر خود در عرصه‌های مختلف، به دفاع از حریم نهضت برخاست؛ چنان که حضرت امام خمینی (ره) طی سه حکم جداگانه در تاریخ‌های: 19 فروردین، 7 تیر و 7 شهریور 1358 وی را به عنوان قاضی شرع، مسؤول رسیدگی به امور دادگاه‌ها و ساماندهی اوضاع جاری مناطق و برای رفع مشکلات و ایجاد وحدت میان اقشار مختلف به ترتیب در شهرهای: «ملایر و حومه»، «میانه و شهرهای اطراف» و «مشکین شهر و حومه» منصوب کردند. به عنوان نمونه، متن یکی از این احکام را در ذیل می‌آوریم:

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای احمدی میانجی دامت افاضاته

مقتضی است جنابعالی مسافرتی به شهر ملایر و شهرهای دیگر آن ناحیه نموده و نسبت به کار کمیته‌ها و اصلاح امور آنها و هم چنین اصلاح و تنظیم سایر امور اقدام لازم را بنمایید و چنانچه لازم بود متصدی مقام قضاوت شرعیه بشوید و ضمناً مردم آن ناحیه را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده و از اختلاف و تفرقه بر حذر دارید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را خواستارم و السلام علیکم و رحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی (13)

علاوه بر آن، وی طی حکم‌های متعدد از سوی «دفتر عملیاتی حضرت امام خمینی (ره)» مستقر در قم، «دفتر جامعه مدرسین» و «دادسرای انقلاب کل کشور» به عنوان سرپرست هیأت‌های منتخب، جهت رسیدگی به وضع دادرها و دادگاه‌های انقلاب و سایر امور جاری به استان‌های: خوزستان، لرستان و آذربایجان غربی عازم شد و به نحو مقتضی انجام وظیفه نمود.

آیت الله احمدی در رخدادهای مهم کشور از جمله: انتخابات خیرگان قانون اساسی، غائله حزب جمهوری خلق مسلمان، ماجراهای بنی صدر و منافقین، به طور جانانه در دفاع از حریم انقلاب و ولایت فقیه وارد صحنه می‌شد و با اقدامات سریع و به موقع خود جلوی بسیاری از توطئه‌ها و ترفندهای دشمن در منطقه میانه و حومه را می‌گرفت.

او درباره انقلاب و رهبری بسیار دقیق و ظریف عمل می‌کرد. هر گاه حرکت یا حرفی را در جهت تضعیف نظام و رهبری تشخیص می‌داد، از آن دوری می‌جست و مصلحت آن دو را در هر شرایطی بر همه چیز و همه کس ترجیح می‌داد. خاطره ذیل همین عملکرد ظریف و بسیار سنجیده ایشان درباره نظام و رهبری را نشان می‌دهد.

ایشان یک باری از جانب بعثه حضرت امام خمینی (ره) و بعد از آن از سوی بعثه مقام معظم رهبری به شرکت در مراسم حج دعوت شد؛ اما به سبب موانعی، از جمله پرستاری از مادر پیر و تنهایی همسر، نتوانست این دعوت را اجابت کند. چند سال بعد، از طرف بعثه یکی از مراجع تقلید نیز این دعوت انجام پذیرفت؛ اما او با این که این بار مشکل چندانی نداشت، ولی این دعوت را هم نپذیرفت و گفت: چون نتوانستم در خدمت بعثه حضرت امام و آیت الله خامنه‌ای باشم، بنابراین در این بعثه نیز نمی‌توانم حاضر شوم.

فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی

عمده خدمات فرهنگی - اجتماعی مرحوم آیت الله احمدی میانجی در دو شهر میانه و قم بوده است:

#### الف) میانه:

در اواسط دهه سی که نهضت «مدارس ملی» با ابتکار شخصیت‌های روحانی مانند آیت الله شهید دکتر بهشتی و امام موسی صدر در شهر قم آغاز شد، آن دو بزرگوار در این شهر اقدام به تأسیس مدارسی به نام‌های «مدرسه ملی صدر» و «دین و دانش» کردند. در شهر میانه نیز آیت الله احمدی، با پیروی از این دو شهید، اوایل دهه چهل، با همکاری چند تن از افراد نیکوکار «مدرسه رضوی» را راه اندازی کرد. این مرکز آموزشی، در تربیت دینی و مذهبی کودکان و نوجوانان میانه بسیار مؤثر بود.

در سال 1348 آیت الله احمدی در یک اقدام دیگر، مرکز فرهنگی - مذهبی مهمی را تحت عنوان «انجمن دین و دانش» بنا نهاد که در آن مقطع در رشد و تعالی فکری، عقیدتی و اخلاقی جوانان دبیرستانی و دانشگاهی نقش اساسی و تاریخی داشت به طوری که اغلب تربیت یافتگان این مرکز، به نیروهای بالقوه انقلاب اسلامی تبدیل شدند و هنگامی که انقلاب در سال 1356 به مرحله بحرانی خود رسید، همه در خدمت آن قرار گرفتند و از جان خود برای پیشبرد نهضت اسلامی مایه گذاشتند.

مؤسسه قالیبافی و صندوق قرض الحسنه مهدیه، دو خدمت دیگری بود که تقریباً همزمان با تأسیس انجمن دین و دانش، به همت آیت الله احمدی و با همکاری تنی چند از معتمدین میانه انجام پذیرفت.

مؤسسه قالیبافی اگر چه بعد از چند سالی به علت مشکلات و موانعی به تعطیلی گرایید، اما صندوق قرض الحسنه هنوز هم فعال است و بیش از 30 سال است که بخشی از نیازهای قشر محروم را آبرومندانه تأمین می‌کند.

#### ب) قم:

صندوق ذخیره علوی، مؤسسه خیریه الزهراء (س) و جامعه ناصحین قم از جمله مراکز مهم و مؤثر در قم به شمار می‌آیند که آیت الله احمدی جزء مؤسسان پرتلاش آن بود. اهمیت هر کدام در جهت رفع مشکل مادی و معنوی مردم و احیای امر به معروف و نهی از منکر در سطح شهرستان قم بر کسی پوشیده نیست.

اشتیاق آیت الله احمدی برای خدمت به مردم، بدان حد بود که محل اقامه نماز جماعت ایشان (مسجد عبداللهی واقع در سه راه بازار قم)، به عنوان محلی جهت رفع نیاز نیازمندان شناخته شده بود و در طول سال‌ها امامت ایشان در آن مسجد، گره از مشکل صدها انسان آبرومند و حاجتمند گشوده می‌شد.

غمخوار درماندگان

نوع فعالیت‌های اجتماعی آیت الله احمدی به خوبی نشان می‌دهد که وی در طول زندگی، همیشه به فکر قشر محروم و مستضعف جامعه بود. کسانی که از نزدیک با وی ارتباط و همکاری داشتند این اخلاق پیامبرگونه، برایشان ملموس و عیان بود. او همواره این شعر پروین اعتصامی را بر لب زمزمه می‌کرد که:

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست

برای خاطر بیچارگان نیاسودن

او بحق آسایش خود را تنها در شادی و راحتی محرومان می‌دید. حاج محمد ولی طیبی از معتمدین بازار و اعضای هیأت رئیسه صندوق قرض الحسنه مهدیه در میانه می‌گفت:

«... پیش از انقلاب، ایامی که حاج میرزا علی آقا احمدی از قم به میانه تشریف می‌آوردند، جلسات هفتگی صندوق مهدیه با حضور ایشان برگزار می‌شد. در یکی از همین روزها قرار شد یک جلسه در مغازه مرحوم حاج میربابا سیدی، یکی دیگر از اعضا و از ریش سفیدان بازار تشکیل بشود. من سر ساعت مقرر رفتم. دیدم هنوز کسی از اعضای صندوق نیامده است تنها، شاگرد مغازه بود. وقتی داخل مغازه شدم، دیدم که حاج میرزا علی آقا هم تشریف آورده و بر صندلی نشسته و مشغول نوشتن چیزی بر روی یک کاغذ هستند. جلو رفتم. پس از سلام و احوالپرسی، نشستم. حاج آقا کاغذ را جلویم گذاشتند. دیدم همان یک بیت شعر پروین اعتصامی را با خط درست بر روی آن نوشته‌اند. سپس اعضای محترم صندوق یکی پس از دیگری آمدند و حاج آقا موضوع صحبت خویش را همان یک بیت شعر قرار دادند و اداره جلسه را بر عهده گرفتند.

ایشان در اغلب توصیه‌های خود، بر اخلاص تأکید بیشتر داشتند و همواره می‌فرمودند: هر چه در بازار و جای دیگر، اعتبار و آبرو دارید، بیاورید، برای خدا در این صندوق خرج کنید، بعد اضافه می‌کردند: مبادا بر عکس عمل کنید و از اعتبار و نام و نشان صندوق برای خود اعتبار و حیثیت کسب کنید.»

#### آثار ماندگار

آیت الله احمدی میانجی، در وادی قلم و تحقیق نیز به حق نبوغ، نوآوری، استعداد و تلاش طاقت‌فرسای خود را به وضوح در معرض دید و قضاوت تاریخ گذاشته است. آثار این دانشمند فرزانه از جهات مختلف قابل توجه و تأمل می‌باشد.

1. با توجه به فضای رایج در حوزه، که اغلب فضلا و محققان را به تحقیق پیرامون فقه و اصول سوق می‌دهد و بیشتر محققین در این

موضوعات تحقیق و تدریس می‌کنند؛ اما آیت الله احمدی از نادر شخصیت‌هایی است که هرگز تحت تأثیر این فضا قرار نگرفت و بر خلاف آن، نیروی تحقیقی خود را با ژرف‌نگری خاصی در موضوع اهم دیگر مثل آثار مکتوب و نامه‌های پیامبر متمرکز ساخت؛ موضوع با ارزشی که در طول چهارده قرن گذشته به ورطه فراموشی سپرده شده و چندان عمیق بدان پرداخته نشده بود.

کتاب ارزشمند «مکاتیب الرسول» که بار نخست در سال 1339 شمسی به چاپ رسید و تحقیق آن از سال 1328 آغاز شده بود که در آن ایام، مؤلف تلاشگر حدود 23 سال سن داشت. تشخیص و انتخاب موضوع در آن سن، با توجه به فضای آن روز حوزه، به خوبی حکایت گر استعداد و ژرف اندیشی آیت الله احمدی است.

2. در آثار این عالم سختکوش، موضوعات و مسائل تکراری کمتر به چشم می‌خورد. اغلب به موضوعاتی ناب پرداخت شده که تا به امروز یا اصلاً مطرح نبوده و یا اگر هم بوده، چندان مورد توجه لازم و کافی قرار نگرفته است.

3. اغلب این آثار تا حدودی می‌تواند برخی از خلأهای موجود در حوزه و جامعه اسلامی را پر کند و به نحوی پاسخگوی برخی اشکالات و رفع برخی ابهامات باشد که انتخاب و تحقیق عمیق در این گونه موارد، حکایت از ذوق سرشار، تعهد و اهداف بلند و والای مؤلف دارد.

اکنون با توجه به امتیازات مذکور که در آثار مکتوب آیت الله احمدی مشهود است، به معرفی اجمالی این آثار می‌پردازیم:

1 - مکاتیب الرسول: این کتاب نفیس در پانزده فصل مهم، تنظیم و تدوین یافته است که در آن موضوعاتی از قبیل نامه‌های پیامبر به پادشاهان، کارگزاران و رهبران سایر ادیان، قراردادهای آن حضرت، نوشته‌های پیامبر در نزد امامان معصوم (ع)، مکتوبات آن حضرت در موضوعات متفرق، مکتوبات منسوب به آن حضرت، کاتبان وحی، ویژگی‌های آنها از حیث فصاحت و بلاغت، غرائب موجود در آنها، چگونگی آغاز و انجام آنها و سایر موضوعات تحقیقی و علمی مفید که به مناسبت‌هایی در لابه‌لای فصول مطرح شده است.

استفاده از منابع و مآخذ مهم اهل سنت از حیث کمی و کیفی از امتیازات بارز این اثر کم‌نظیر می‌باشد.

این کتاب به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، بی‌درنگ مورد استقبال کم نظیر اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی قرار گرفت و تا کنون چندین بار با مجلدات و اندازه‌های مختلف در بیروت، تهران و قم به چاپ رسیده است. اولین چاپ آن در سال 1339، با همکاری حجج الاسلام و المسلمین: محمد مهدی حجتی و میرزا قدرت اسکندری از طریق چاپخانه علمیه قم انجام پذیرفت و آخرین آن را که همراه با تصحیح، تنقیح و اضافات مؤلف بود، در سال 1377 ش، انتشارات دارالحدیث در چهار جلد با کیفیت مطلوب چاپ کرد و در اختیار علاقمندان قرار داد.

در ارزش و اهمیت این کتاب همین بس که وقتی آیت الله موسوی اردبیلی، در سال‌های پیش از انقلاب در قاهره از یک کتاب فروشی معتبر درخواست کتاب باارزشی کرد، فروشنده کتاب بلافاصله «مکاتیب الرسول» را نشان می‌دهد و خرید و مطالعه آن را به ایشان توصیه می‌کند؛ و یا شخصیت بزرگی چون امام موسی صدر، «مکاتیب» را از مؤلفش به عنوان هدیه نمی‌گیرد؛ بلکه آن را از بازار تهیه می‌کند تا در ترویج آن سهیم باشد. این کتاب با همه دقت‌هایی که در چاپ آن از سوی انتشارات دارالحدیث انجام گرفته است اما در عین حال به طور پراکنده، اغلاط املائی و چاپی در آن مشاهده می‌شود، که امید است در چاپ‌های آینده برطرف گردد.

2 - مواقف الشیعه: این کتاب، شامل نزدیک به یک هزار مناظره و احتجاج از صحابه پیامبر (ص)، اصحاب امامان معصوم (ع)، راویان، محدثان، عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در طول تاریخ می‌باشد و از منابع معتبر شیعه و اهل سنت جمع‌آوری شده و در سه مجلد، تدوین یافته است. مؤلف فرزانه در مقدمه این کتاب، ضمن توضیح درباره جدال و اقسام آن، انگیزه نگارش خود را به طور اجمال این چنین بیان می‌دارد:

«هر کس در محتوای مناظرات این کتاب دقت و تأمل کند، به وضوح قدرت تفکر، رشد عقلی و دقت نظر علمای شیعه را مشاهده می‌کند و اهتمام آنان را به امور دینی به خوبی درمی‌یابد و برایش روشن می‌شود که دانشمندان شیعی در طول تاریخ، اهل منطق و برهان بوده و هرگز به نیرنگ پناه نبرده‌اند. علاوه بر مبانی خود، به کتب و عقاید مخالفان خویش آگاهی کامل داشتند و در بحث و مناظره جانب انصاف و متانت را کاملاً مراعات می‌کردند و همه این امتیازات را هم از اهل بیت (ع) گرفته‌اند. نیز می‌فهمد، به خلاف شیعه، آنهایی که با شیعه به مقابله و مخالفت برخاستند، هیچ یک این مزایا را نداشتند، بلکه حتی فاقد آن بودند و...»

این کتاب اگر چه از ترتیب منطقی خاصی برخوردار نیست - به همین سبب بعضاً پراکندگی و تکرار در آن به چشم می‌خورد و امید است در چاپ‌های بعدی توسط ناشر برطرف گردد، اما از حیث محتوا در نوع خود کم‌نظیر و بدیع می‌باشد. برای اولین بار سال 1375 ش توسط مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به زیور چاپ مزین شده و یک سال بعد نیز به عنوان کتاب سال اعلام گردید.

3 - التبرک: در سال‌های پیش از انقلاب با توجه به شبهاتی که ایادی وهابیت در جامعه اسلامی و اذهان مسلمانان ایجاد می‌کردند و هر روز دامنه آن در سطح عمیقی گسترش می‌یافت، آیت الله احمدی با درک ضرورت موضوع به نگارش این اثر مفید پرداخت و بدین ترتیب به مقابله با این تهاجم فرهنگی برخاست. او در این اثر گرانسنگ، اولاً در مقدمه کتاب، بیشتر اختلاف موجود در میان فرق اسلامی را غیر واقعی و نتیجه سوء تفاهم‌ها و دسیسه‌های دشمنان قلمداد می‌کند. سپس در فصل اول، موضوع تبرک را در موارد متعدد، از دیدگاه احادیث پیامبر و تاریخ و سیره صحابه مورد بررسی و موشکافی قرار می‌دهد. در فصل دوم نیز به همان شیوه، موضوع بوسیدن را بررسی می‌کند. استناد او به روایات و شواهد تاریخی به صورتی است که هیچ یک از فرق اسلامی قادر بر انکار و ایجاد شبهه در آن نیستند.

این کتاب در سال 1356 ش به زیور چاپ مزین گردید و هم اکنون نیز از طریق حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت تنظیم و تدوین یافته به صورت مطلوبی چاپ شده و در دست علاقمندان قرار گرفته است.

4 - الاسیر فی الاسلام: مؤلف در این کتاب ارزشمند نخست در مقدمه، ضمن ارائه مباحثی از قبیل مفهوم قیام، جهاد و دفاع، آداب و احکام جنگ، توصیه‌های امام علی (ع) در جنگ، حقوق حیوانات در اسلام و چگونگی رفتار با اسیران در جنگ‌های صلیبی، مغول، دولت عثمانی، جنگ جهانی دوم، جنگ کره شمالی و ویتنام با آمریکا، جنگ اسرائیل و جنگ عراق، به چگونگی رفتار ایران با اسیران عراقی در مقایسه با کشورهای دیگر می‌پردازد، سپس مباحث اصلی کتاب را با موضوعاتی همچون: بحث لغوی جنگ، انگیزه‌های جنگ، جنگ در تورات و انجیل، وجود دعوت به اسلام، رفتار امام علی (ع) با اسیران، اسیر در عصر جاهلیت و اسیر در اسلام مطرح می‌سازد. آن گاه موضوع اخیر را در دو مقام «گرفتن اسیر از طوائف مختلف کفار» و «احکام اسیران بقاء» دنبال می‌کند و در نهایت، کتاب با مباحثی درباره «حقوق اسیر» به پایان

می‌رسد. آیت الله احمدی در هر بخش این کتاب، موضوعات مربوطه را، با آیات، روایات و شواهد تاریخی از سیره امامان معصوم (ع) به هم آمیخته و اضافه بر آن، از منابع اهل سنت نیز بیشترین بهره را برده است.

این کتاب را مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال 1369 به چاپ رساند و اخیراً نیز آقای محمد احمدی فرزند ایشان آن را ترجمه کرده است که در آینده به چاپ خواهد رسید.

5 - السجود علی الارض: در این اثر نفیس که شامل بحث‌های قرآنی، حدیثی، فقهی، اصولی و تاریخی پیرامون موضوع «سجده» می‌باشد، مؤلف، قدرت اجتهادی و فقهاتی خویش را به روشنی به اثبات می‌رساند. وی در این کتاب ابتدا، سیر تاریخی سجده را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند. سپس هر کدام آنها را همراه با اقوال، آرا و اجتهادات صحابه، تابعین و تابعین آنان، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و در بخش آخر، بحث میسوطی را درباره فضیلت سجده بر تربت امام حسین (ع) با استناد به احادیث مطرح می‌نماید.

اولین چاپ این کتاب، پیش از انقلاب از سوی مؤسسه در راه حق در چند نوبت و در هر بار با تیراژ پنج هزار به چاپ رسید. بعد از آن نیز یک بار در بیروت چاپ شد. همچنین به طور متفرقه از طریق ناشران مختلف به چاپ رسید که نام و مشخصات ناشر در آن منعکس نشده است.

6 - مالکیت خصوصی: در اوایل انقلاب، از سوی برخی گروهک‌ها شبهاتی در جامعه ترویج و القا می‌شد مبنی بر این که: در اسلام مالکیت خصوصی وجود ندارد و اگر هم باشد، بسیار محدود است؛ یا در اسلام سرمایه و ثروت جایگاهی ندارد و اجاره یک نوع استثمار و بهره‌کشی از ضعیفان است و... آیت الله احمدی جهت پاسخ به این شبهات، سلسله مباحثی را پیرامون مالکیت خصوصی در رمضان سال 1359، در انجمن دین و دانش میانه آغاز می‌کند و با استفاده از آیات و روایات در صدد رفع شبهه برمی‌آید و نظر اسلام را در این خصوص روشن می‌سازد. یادداشت‌های این مباحث، با تصحیح و اضافاتی به صورت کتاب مذکور، در پاییز سال 1361 از سوی مؤسسه نشر اسلامی به چاپ رسید و تا کنون چندین نوبت تجدید چاپ شده است.

7 - احادیث اهل بیت عن طرق اهل السنة: این کتاب ارزشمند اثر مشترک آیت الله احمدی و مرحوم آیت الله حاج سید مهدی روحانی است. همان طوری که از نام آن پیداست، در این مجموعه، احادیث و روایات اهل بیت (ع) در موضوعات مختلف که از طریق اهل سنت نقل شده و در کتاب‌های روایی و تاریخی معتبر آنان موجود است، گردآوری شده است و در نوع خود یک تحقیق بدیع و ابتکاری به شمار می‌آید. این مجموعه نفیس در ابواب و موضوعات گوناگون مانند: تفسیر، عقاید، فضایل، تاریخ اهل بیت (ع) و تاریخ صحابه پیامبر و... به بحث پرداخته است و البته غالب مباحث آن در موضوعات فقهی و احکام عملی است. تعداد کتاب‌ها و منابعی که این احادیث و روایات از آنها جمع‌آوری شده، نزدیک به دویست عنوان و اثر معتبر می‌باشد. جلد اول این اثر، بیست جلدی در سال 1379 ش، زبور طبع پوشید و به موضوع طهارت و جنائز می‌پردازد. مجلدات بعدی را نیز مؤسسه نشر اسلامی به تدریج چاپ و منتشر خواهد کرد.

8 - لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی: در این کتاب، مؤلف فرزانه نخست با استناد به ادله عقلی و نقلی به ضرورت وجود تشکیلات اطلاعاتی در حکومت اسلامی می‌پردازد و بحث میسوطی در این زمینه ارائه می‌دهد. سپس مباحث متنوعی را نیز در موضوعات مختلف؛ از جمله: معنای نصیحت، بحث عرف و نقیب، معنای تجسس و سوء ظن و موارد جواز این دو و وجوب حسن ظن را از دیدگاه قرآن و احادیث مطرح می‌سازد.

چاپ اول این کتاب را دفتر نشر برگزیده در قم، در سال 1374 به چاپ رسانده است.

9 و 10 - حاشیه و تعلیقه بر کتاب‌های «معادن الحکمه» مرحوم فیض کاشانی و «شیعه در اسلام» مرحوم علامه طباطبایی، از دیگر آثار به چاپ رسیده آیت الله احمدی به شمار می‌آید که اثر اول را مؤسسه نشر اسلامی در سال 1365 به چاپ رساند و یک سال بعد نیز تجدید چاپ شد و اثر دوم هم تا کنون از طریق مراکز انتشارات مختلف در چند نوبت به چاپ رسیده است. اضافه بر آثار یاد شده، از این عالم فرزانه مقالات و دست‌نوشته‌های متنوعی هم در موضوعات مختلف به یادگار مانده است. امید است به همت فرزندان برومند و علاقه‌مندان ایشان در آینده نزدیک، تنظیم و تدوین شده به مرحله چاپ و نشر راه یابند و در اختیار محققان و پژوهشگران قرار گیرند.

### حکومت از دیدگاه آیت الله احمدی

یکی از ویژگی‌های بارز آیت الله احمدی، این بود که مسائل اسلامی را از دیدگاه حکومتی ارزیابی می‌کرد و اعتقاد داشت که فقه اسلامی و شیعی برای اداره بشر از گهواره تا گور است و می‌تواند جوامع بشری را به خوبی اداره کند.

او با این بینش و تفکر وارد میدان تحقیق و پژوهش شد و از آیات، احادیث و روایاتی که تا دیروز تنها در ابعاد فردی استفاده می‌شد، در ابعاد حکومتی از آنها بهره‌برداری کرد و کتابی را تحت عنوان «اطلاعات و امنیت در حکومت اسلامی» به رشته تألیف درآورد که از این نظر در نوع خود، کم نظیر و بدیع می‌باشد. بر اساس همین بینش، ایشان به «احکام حکومتی» که زیر نظر ولایت ولی فقیه جامع شرایط اداره شود، به جد اعتقاد داشت و از این رو، حتی مقررات و قوانین معمولی را هم لازم‌الاجراء می‌دانست؛ به طوری که اظهار می‌داشت: اگر کسی در نیمه شب مقررات راهنمایی و رانندگی را رعایت نکرد و پلیس هم حضور نداشت، واجب است خود، جریمه خلافش را به صندوق حکومت واریز کند؛ در غیر این صورت دمه‌اش مشغول خواهد شد.

ایشان در باب اخذ وجوه شرعی (خمس، زکات و...) نیز نظر خاصی داشت که از همان نظریه حکومتی ایشان نشأت می‌گرفت. او اخذ وجوه شرعی و مصرف آن را، ابتدائاً یکی از شئون اساسی ولی فقیه می‌دانست. به همین سبب با این که ایشان مجتهد مسلم بودند؛ اما در این باب خود را ملزم کرده بودند تا از مقام معظم رهبری اجازه بگیرند.

با توجه به نگرش پویای آیت الله احمدی در فقه و سایر مسائل اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، طی حکمی ایشان را همراه با حضرات آیات سید مهدی روحانی، شیخ محمد ابراهیم جنّاتی، سید محمود هاشمی شاهرودی و... جهت بررسی موضوعات جدید و پاسخگویی به مسائل روز جهان اسلام منصوب کردند. (14)

### توصیه‌های ناب به طلاب

آیت الله احمدی میانجی در بُعد اخلاقی و عرفانی به سطح بسیار والایی نایل گردیده بود. او به عنوان یکی از اساتید بزرگ اخلاق در حوزه

علمیه، سیر و سلوک ویژه و منحصر به فردی داشت که البته از قرآن و سیره امامان معصوم (ع) سرچشمه می‌گرفت. وی هرگز این بُعد از شخصیت ممتاز خویش را بروز نمی‌داد و در مجالس و محافل عمومی به خصوص هنگام اقامه نماز جماعت، عبادات واجب و مستحب خود را به صورت خیلی ساده و در عین حال دقیق انجام می‌داد. در طول شصت سال زندگی در قم کوچک‌ترین تظاهری از این عالم عامل دیده نشد. رابطه عاشقانه و جانسوز خود با خدا را در حد بسیار عمیق همواره در خلوت و به دور از چشم مردم و حتی نزدیکان انجام می‌داد.

او با توجه به شصت سال تجربه علمی و عملی در حوزه علمیه قم، به نقاط ضعف و قوت و جنبه‌های افراط و تفریط در بعد اخلاق و عرفان آشنایی کامل داشت. لذا توصیه‌هایی که در این رابطه به طلاب و فضلاء جوان می‌کرد، نشأت گرفته از همین تجارب شصت ساله ایشان بود. از این رو، آیت الله احمدی هنگامی که می‌دید بعضی طلاب جوان و مقدمات خوان، خیلی زود و بدون فراهم ساختن زمینه لازم، وارد برخی مسائل عمیق اخلاقی و عرفانی می‌شوند و به قول معروف، می‌خواستند ره صد ساله را یک روزه طی کنند و در مدتی کوتاه همانند حضرت امام خمینی (ره) و آیت الله بهاء الدینی و یا آیت الله بهجت گردند، سخت نگران می‌شد و تأسف می‌خورد و با تذکرات و توصیه‌های کارشناسانه و دقیق خود، در صدد اصلاح چنین افرادی بر می‌آمد. لذا چنانچه این قبیل طلاب جوان به حضور ایشان می‌رسیدند و با یک دنیا توقع از ایشان می‌خواستند تا آنها را ارشاد و نصیحت بکند و ذکری و وردی بر ایشان بیاموزد، آیت الله احمدی همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق اینان را به اشتباه و بیراهگی خود آگاه می‌ساخت و با توصیه‌هایی به ظاهر ساده، اما در واقع دقیق و ظریف به رعایت این امور سفارش می‌کرد:

1 - سعی کنید واجبات خود را خوب انجام دهید؛ 2 - از محرّمات دوری کنید و خود را به گناه آلوده نسازید؛ 3 - از خوراک خود کم نگذارید، به قدر لازم و کافی غذا بخورید؛ 4 - خوابتان هم به قدر کافی باشد؛ 5 - خوب درس بخوانید و بعد درس‌هایتان را خوب بحث کنید؛ 6 - در مرحله آخر اگر وقت اضافی آوردید، می‌توانید به برخی از مستحبات هم بپردازید.

آیت الله احمدی وظیفه اصلی طلاب جوان را تحصیل علوم اسلامی به نحو احسن می‌دانست و همواره اظهار می‌داشت که طلاب باید خوب درس بخوانند و مبنای اسلام و تشیع را خوب بفهمند. تا بتوانند در برابر انواع و اقسام شبهات با استدلال و برهان از حریم اسلام و تشیع دفاع کنند.

و نیز همواره تأکید می‌کرد:

«طلبه باید اهل مطالعه باشد و بیکار ننشیند؛ حتی اگر مطالعه کتاب «موش و گربه» و یا «نان و حلوا» باشد.»

به همین علت، خود ایشان در شب‌های قدر ماه مبارک رمضان بعد از این که مقداری از شب را به عبادات و انجام مستحبات می‌پرداخت، باقیمانده زمان را تا سحرگاه به بحث علمی و مطالعه می‌گذراند و به طلبه‌ها هم اجازه نمی‌داد که در شب‌های چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف شوند؛ چون شبِ درسی بود؛ در عوض توصیه می‌کرد که این کار در شب پنجشنبه یا شب جمعه انجام پذیرد تا خلل و صدمه‌ای به درس و بحثشان وارد نشود و در آینده عالمی فاضل و مایه افتخار برای حضرت حجت - عجل الله تعالی فرجه الشریف - باشند. البته بر صاحبان بصیرت پوشیده نیست که این شیوه آیت الله احمدی میانجی بدان رو بود که ایشان مشاهده می‌کردند که نه تنها طلاب، بلکه بسیاری از مردم، از سوپوی امور مادی و معنوی خود را با افراط و تفریط انجام می‌دهند و از سوی دیگر گاه امر مهم و لازمی را فدای امر فرعی و غیرضروری می‌نمایند.

چنان که در جوامع اسلامی مشاهده می‌شود که یک عمل مستحب یا واجب مهم نسبت به یک واجب اهم بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد یا یک عمل مستحب غیرمؤکد، بیش از یک واجب عینی مهم، رواج و رونق می‌یابد. به قول شهید مطهری برای انجام یک عمل مستحبی، مثل زیارت کربلا، ده‌ها حرام و گناه کبیره، مانند دروغ و عدم رعایت نوبت و مراعات حقوق دیگران انجام می‌گیرد، (15) که تشخیص این موارد از عمل به وظیفه شرعی نیاز به شناخت صحیح از اسلام و روشن بینی و درایت در امور دارد. آیت الله احمدی میانجی، از شخصیت‌های نادری بود که به این موضوع مهم توجه داشت و خود نیز بدان عمل می‌نمود. چنان که وقتی به سفر حج دعوت شدند، نمی‌پذیرند و چون فرزندانش اصرار می‌کنند در جواب اظهار می‌دارد:

«من راضی نیستم به خاطر یک عمل مستحبی، همسرم مجبور شود به خاطر فرار از تنهایی به خانه فرزندانش برود.»

### پرواز تا بی نهایت

این عالم فرزانه پس از هفتاد و سه سال زندگی توأم با تلاش، تحقیق و پژوهش، بامداد روز دوشنبه، بیست و یکم شهریور 1379 چشم از جهان فرو بست و روح بلندش به سوی معبود متعال پرواز کرد. پیکر این فقیه خستگی‌ناپذیر، با حضور مراجع معظم تقلید، علمای اعلام، طلاب و فضلا و انبوهی از مردم قم، میانه، تهران و... از مسجد امام قم به حرم حضرت معصومه (س) تشییع شد و با تجلیل فراوان، در جوار کربمه‌اهل بیت (ع) جنب مرقده علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری به خاک سپرده شد. با درگذشت این عالم ربّانی، از سوی برخی از حضرات آیات عظام و علمای اعلام، پیام‌ها و بیانیه‌های تسلیتی صادر شد که در اینجا به ذکر بیانیه آیت الله خامنه‌ای - مدّ ظلّه العالی - اکتفا می‌کنیم.

متن پیام تسلیت حضرت آیت الله خامنه‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم

با تأسف فراوان اطلاع یافتم که عالم جلیل القدر و فقیه اخلاقی و پارسا و پرهیزکار آیت الله آقای حاج میرزا علی احمدی میانجی دنیا را بدرود گفته و حوزه علمیه قم به فقدان این استاد وارسته و با فضیلت، دچار گشته است. ایشان در شمار عالمان و برگزیدگان بودند که علم را با عمل، و تقوا را با جهاد، و فقاہت را با تبلیغ دین، و برجستگی رتبه دانش و تحقیق را با کمال فروتنی و زهد و کم توقعی در هم آمیخته و در عرصه دین و معنویت همچون میدان حضور و نشاط انقلابی، از پیشروان و گوی سبقت ربودگان بودند. آزمون شهادت فرزند همچون دیگر محنت‌های دوران مبارزه علمی و جهاد سیاسی، بر صبر و صفا و وارستگی این مرد بزرگ افزوده و اسوه‌ی برای فضلاء جوان و شاگردان ارادتمندان ایشان پدید آورده بود. فقدان خسارتبار این روحانی عالی مقام را به حضرت بقیه الله روحی فداه و حوزه علمیه قم و خاندان محترم و فرزندان مکرم ایشان تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات ملکوتی ایشان را از خداوند رحیم مسئلت می‌نمایم.



پی‌نوشت‌ها:

- 1 - سیمای میانه، خطه ولایت، عبدالرحیم اباذری، انتشارات نبوغ، قم، 1374، ص 197.
- 2 - همان، ص 208 و تاریخ انقلاب اسلامی شهرستان میانه، عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1380 فصل اول.
- 3 - ر.ک: ستارگان حرم، جمعی از نویسندگان، انتشارات زائر، قم، 1379، ج 7 و سیمای میانه.
- 4 - برای آگاهی از شرح حال مختصر ایشان ر.ک: سیمای میانه، ص 213.
- 5 - آیت الله احمدی برای نگارنده نقل می‌کرد: در اوایل، هرگز به منزوی و گمنام بودن علامه طباطبایی توجه نداشتم؛ چون از موقعیت علمی و تقوایی ایشان آگاهی نداشتم و خیال می‌کردم که آیت الله حاج شیخ لطفعلی زنوزی مرا به یک روحانی معمولی معرفی کرده است؛ اما وقتی بعدها در قم به خدمتشان رسیدم و استفاده علمی از محضرشان بردم، به گمنامی ایشان در تبریز پی بردم و همواره برایم سؤال بود و تأسف می‌خوردم که چرا و چگونه عالمی به آن بزرگی و با آن همه معنویت، این چنین منزوی به سر می‌برد و از محضرش استفاده نمی‌شد!
- 6 - آیت الله سید حسینی قاضی در آن وقت یکی از اساتید معروف فقه و اصول در سطح عالی و مورد احترام و قبول بزرگان حوزه علمیه قم بود. وی سال 1317 قمری در شهر تبریز به دنیا آمد. تحصیلات خود را در آن شهر پیش حاج میرزا علی اصغر ملکی و آیت الله انگجی فرا گرفت. بعد به نجف اشرف هجرت کرد و در آن جا از محضر حضرات آیات عظام: کاشف الغطاء و آقا ضیاء عراقی و ایروانی بهره برد. سپس در مشهد مقدس، در دروس حضرات آیات آقا سید حسین قمی، آقا زاده خراسانی و میرزا مهدی اصفهانی شرکت نمود و در سال 1354 ه. ق به قم وارد شد و در جوار کریمه اهل بیت (ع) برای خود مسکن همیشگی گزید و ضمن این که از محضر آیت الله حائری یزدی و آیت الله حجت کوه‌کمره‌ای استفاده می‌کرد، تا آخر عمر به تدریس و تربیت شاگرد اشتغال داشت. وی در شب سه شنبه 26 ربیع الثانی 1393 چشم از جهان فرو بست و در قبرستان حائری قم به خاک سپرده شد. ر.ک: گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، ج 2، ص 227.
- 7 - آیت الله میرزا احمد کافی الملک نیز از مدرسین میرز حوزه علمیه قم در سطوح عالی و خارج اصول بود و در میان حوزویان به زهد، کمال و تقوا شهرت داشت. او از روستای کافی الملک از توابع تبریز بود. دروس مقدماتی را در مدرسه طالبیه تبریز خواند. از شاگردان حضرات آیات: میرزا ابوالحسن انگجی و شهیدی در مکاسب و کفایه بود. فلسفه را هم از مرحوم آقا سید عبدالعظیم در تبریز یاد گرفت. وی در سال 1350 ه. ق به شهر قم هجرت کرد. محضر حضرات آیات عظام: حائری یزدی، خوانساری، حجت را درک نمود و حدود هیجده سال نیز از محضر علمی آیت الله العظمی بروجردی کسب فیض کرد و به مراتب عالی از فقه و اصول رسید. ر.ک: گنجینه دانشمندان، ج 2، ص 240.
- 8 - مرحوم حضرت آیت الله حاج سید محمد محقق، سال 1325 ه. ق، در احمد آباد اردکان به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در همان محل آموخت. بعد به یزد رفت، از اساتید بزرگ یزد استفاده‌های شایان برد. سال 1341 ه. ق به قم مهاجرت کرد و در خدمت اغلب بزرگان، مانند: حائری یزدی، خوانساری، حجت، رفیعی قزوینی، سید علی یثربی و... کسب فیض نمود و به مراتب والایی از علم و حکمت رسید. او چون داماد حضرت آیت الله حائری بود، در میان فضلا و طلاب به محقق داماد شهرت یافت. او یکی از شخصیت‌های بارز علمی در حوزه به حساب می‌آمد و درس خارج معظم له از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود و فضایی مانند: شهید بهشتی، امام موسی صدر، شهید مطهری، شهید مفتح، شهید قدوسی، شهید حاج آقا مصطفی خمینی و آیات دیگر مانند: جوادی آملی، موسی زنجانی، مکارم شیرازی، حسین نوری همدانی، حسین مطهری، محمد مؤمن، طاهری اصفهانی و... می‌توانستند در آن شرکت جویند.
- او پس از سال‌ها تلاش، تعلیم و تربیت شخصیت‌های بزرگ علمی و با تألیفات ارزشمند، روز چهارشنبه دوم ذی الحجه 1388 دار فانی را وداع کرد و در ضلع شرقی صحن مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. ر.ک: ستارگان حرم، ج 2، ص 115.
- 9 - نقل به مضمون. این مطلب در مواقع متعدد با عبارتهای مختلف توسط نگارنده از ایشان شنیده شد.
- 10 - ر.ک: تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان میانه، فصل پنجم.
- 11 - ر.ک: مجموعه پنج جلدی اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1374، ج 3، ص 507، 491، 450، 292، 272، 268، 521 و 239.
- 12 - ر.ک: تاریخ انقلاب اسلامی در شهرستان میانه، فصل پنجم.
- 13 - ر.ک: خاطرات آیت الله احمدی میانجی، عبدالرحیم اباذری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1380 که در آنجا متن احکام دیگر نیز موجود است.
- 14 - برای آگاهی از متن این حکم، ر.ک: روزنامه اطلاعات، 7 / 10 / 1371، 9 ش 19806
- 15 - اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ج 2، ص 83.